

# «وظایف و اختیارات رهبری» از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای

## مبثنی بر روش تحلیل مضمون

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۴

سید علی مرندی\*

### چکیده

این پژوهش به دنبال آن است که وظایف و اختیارات رهبری از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای را واکاوی کند. برای بررسی این موضوع، باید وظایف و اختیارات رهبر را در سه حیطه «هدایت»، «نظارت» و «حمایت» تقسیم‌بندی کرد؛ همچنین باید توجه داشت که رهبر به جز در نیروهای مسلح، «مسئولیت اجرایی» ندارد. وظیفه اساسی رهبر شأن‌هدایتی اوست که بخش عمده آن در قالب سیاست‌گذاری کلی نظام تجلی پیدا کرده است. رهبر از اختیارات بی‌حد و حصر برخوردار نیست و باید به قانون اساسی، قوانین عادی مصوب مجلس و مصوبات دولت - که رهبر نیز شامل آن می‌شود متعهد باشد. علاوه بر آن، رهبر باید به چارچوب‌های دینی و شرعی نیز پایبند باشد. در این پژوهش داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای - اسنادی جمع‌آوری گردیده و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از روش «تحلیل مضمون» از طریق نرم‌افزار مکس کیودا صورت پذیرفته است.

### واژگان کلیدی

اختیارات رهبری، آیت‌الله خامنه‌ای، سیاست‌های کلی نظام، حکم حکومتی، فرماندهی کل نیروهای مسلح.

ali.marandi1369@gmail.com

\* عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

MAXQDA

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال بیست و ششم • شماره اول • بهار ۱۴۰۲ • شماره مسلسل ۹۹

## مقدمه

مسئله اختیارات رهبری از ابتدای تصویب قانون اساسی مسئله‌ای مورد مناقشه بوده است. از طرفی بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی ایران برای ولایت فقیه (که تجلی آن در نهاد رهبری است) کارکرد «ضد دیکتاتوری» قائل بود و اعتقاد داشت: «اشخاصی که اطلاع ندارند بر وضعیت برنامه‌های اسلام، گمان می‌کنند که اگر چنانچه «ولایت فقیه» در قانون اساسی بگذرد، این اسباب دیکتاتوری می‌شود. در صورتی که ولایت فقیه هست که جلو دیکتاتوری را می‌گیرد. اگر ولایت فقیه نباشد، دیکتاتوری می‌شود.» (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ۱۱: ۲۲) از سوی دیگر برخی از منتقدان در کنار برخی از رسانه‌ها، اختیارات رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران را گسترده و به نوعی معادل با دیکتاتوری تفسیر کرده و به تبع آن ناکارآمدی‌ها و سوءمدیریت‌ها را متوجه رهبری می‌دانند. در این میان برخی از مسئولین و کارگزاران نظام نیز این تلقی از وظایف و اختیارات رهبری را مطلوب تلقی می‌کنند؛ عده‌ای به این علت که سعی در توسیع اختیارات و «بسط‌ید» برای رهبری دارند و عده‌ای دیگر نیز به این دلیل که کژکارکردی مسئولان، در پشت «اختیارات گسترده رهبری» قابل توجیه و اغماض می‌شود. در این میان بررسی تلقی آیت‌الله خامنه‌ای در باب وظایف و اختیارات رهبری از اهمیت راهبردی برخوردار است زیرا ایشان عهده‌دار جایگاه رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران است. دلیل دیگر آن که گاهی تلقی و برداشت بازیگران عرصه سیاسی از واقعیت، از خود واقعیت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در این جا نیز به همین دلیل بررسی تلقی آیت‌الله خامنه‌ای اهمیت می‌یابد. به علاوه آنکه آشکارشدن وظایف و اختیارات رهبری در مناسبات میان قوای گوناگون با رهبری به شدت تأثیرگذار است. به طور کلی تلقی آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران از موضوع «وظایف و اختیارات رهبری» می‌تواند در داوری در باب رویکردهای مختلف حول این موضوع کارکرد داشته باشد. این پژوهش به دنبال آن است که وظایف و اختیارات رهبری در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای را به شکلی نظام‌مند ارائه کند و به این پرسش، پاسخ دهد که «وظایف و اختیارات رهبری از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟». برای پاسخ به این سؤال ضروری است به پرسش‌های دیگری نیز جواب داده شود؛ از جمله آنکه «قلمرو وظایف و اختیارات رهبری از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای تا کجاست؟» و همچنین «از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای وظایف و اختیارات رهبری در چه چارچوب و حدودی است؟». این پژوهش فرضیه‌محور نیست و خصلتی اکتشافی دارد.

## الف) پیشینه

پیش از این مقالات متعددی در باب اختیارات رهبری منتشر شده است که بخش عمده این مقالات رویکردی حقوقی دارند. سنخ اول مقالات مبتنی بر حقوق اساسی به بررسی موضوع پرداخته‌اند. سید محسن شیخ الاسلامی در مقاله‌ای به بررسی «اختیارات رهبری در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران» پرداخته است؛ چنانچه از عنوان مقاله مشخص است مقاله بر مبنای قانون اساسی به بررسی اختیارات رهبری می‌پردازد. سیامک ره‌پیک نیز مقاله‌ای با عنوان «مبنای اختیارات رهبری در قانون اساسی جمهوری اسلامی و مقایسه آن با اختیارات رئیس‌جمهوری در برخی از نظام‌های ریاستی» منتشر کرده است. این مقاله در عین حفظ ماهیت حقوقی خود رویکردی مقایسه‌ای دارد و اختیارات رئیس حکومت در ایران را با اختیارات رئیس حکومت در کشورهای آمریکا، فرانسه و ایتالیا مقایسه می‌کند. در واقع این مقاله را می‌توان جزو مقالات «حقوق اساسی تطبیقی» به‌شمار آورد. همچنین حسین رجایی با همکاری برخی از نویسندگان دیگر مقاله‌ای با عنوان «قلمرو اختیارات ولی فقیه از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد امنیت ملی» منتشر کرده است که این مقاله نیز ماهیت حقوق اساسی دارد و اختیارات رهبری در حوزه امنیت ملی را بررسی می‌کند.

سنخ دیگر مقالات، رویکرد فقهی و حقوقی را توأمان و پیوسته با هم دنبال می‌کنند؛ از جمله مقاله «بررسی تحلیل فقهی و حقوقی اختیارات رهبری (ولی فقیه) در قانون اساسی بر مبنای نظریه امام خمینی<sup>(ع)</sup>» که در آن ایمان اختری‌نژاد با رویکردی فقهی - حقوقی به بررسی قضیه پرداخته است. همچنین حسین رجایی نیز در مقاله‌ای با عنوان «قلمرو اختیارات ولی فقیه از دیدگاه فقها و قانون اساسی» با رویکردی فقهی - حقوقی به بررسی این موضوع می‌پردازد. سنخ دیگری از مقالات نیز هستند که ماهیتی صرفاً فقهی دارند. چنانچه سیدابراهیم حسینی نیز در مقاله‌ای با عنوان «محدوده اختیارات رهبری و حاکم اسلامی در عصر غیبت» به بررسی فقهی این موضوع پرداخته است.

در کنار تمام مقالات فوق که با رویکرد فقهی، حقوقی یا فقهی - حقوقی نوشته شده‌اند، طیفی از مقالات وجود دارند که با تأکید بر اندیشه سیاسی به بررسی موضوع پرداخته‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «نقش رهبری در حکمرانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» اشاره کرد که توسط نویسنده همین نوشتار منتشر شده است. این مقاله ماهیتی بین‌رشته‌ای دارد و بین «حقوق اساسی» و «اندیشه سیاسی» پیوند برقرار کرده است. در این مقاله برای بررسی نقش رهبری در حکمرانی امنیت ملی، چهار فرضیه «هادی»، «ناظر»، «حامی» و «مجری» مطرح

شده و در نهایت نتیجه‌گیری می‌شود که اصلی‌ترین نقش رهبری در نظام جمهوری اسلام «هدایت» است که در قالب «سیاست‌گذاری کلی نظام» تجلی یافته است. مقاله فوق بیان می‌کند که ضعف «ضمنان اجرا» در «نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» سبب اختلال بنیادین در حکمرانی رهبری در این حوزه گردیده است تا بدین شکل تمایز اختیارات رهبر در حوزه حقوقی و عملیاتی را نشان دهد. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین در آن است که به بررسی موضوع وظایف و اختیارات رهبری از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته و به دنبال آن است که نشان دهد ایشان به عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران چه نگاهی به وظایف و اختیارات رهبری دارد.

### ب) مبانی مفهومی

در نظام‌های سیاسی مدرن نوعی «نظام عدم تمرکز»<sup>۱</sup> وجود دارد که مبتنی بر آن وظایف و اختیارات در میان بخش‌های مختلف حکومت پخش می‌شود. اساساً «تفکیک قوای سه‌گانه»<sup>۲</sup> نیز مبتنی بر همین رویکرد اتفاق افتاده است تا از تجمع قدرت نزد یک فرد جلوگیری کند. در ایران نیز یکی از اصلی‌ترین اهداف جنبش مشروطه حاکمیت قانون و به تبع آن معین‌شدن محدوده اختیارات حاکمان بود. مشروطه‌خواهی از طریق ایجاد محدودیت‌های داخلی در قدرت سیاسی بین شماری از نهادها، خواستار ایجاد شبکه‌ای از «نظارت و توازن»<sup>۳</sup> بود. همان‌طور که منتسکیو می‌گوید: «قدرت باید به شکل نظارت بر قدرت باشد». لذا بر همین مبنا «دکترین تفکیک قوا»<sup>۴</sup> را مطرح می‌سازد که بر مبنای آن قوه‌های مقننه، مجریه و قضائیه باید به وسیله سه نهاد مستقل اعمال شود (Heywood, 2012: 39).

بنیان اصلی ساختار نظام حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران نیز که در اصل ۵۷ قانون اساسی شرح داده شده است؛ بر تفکیک قوا استوار است. مطابق این اصل قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوای مجریه، مقننه و قضائیه که زیر نظر ولی فقیه و طبق اصول قانون اساسی به حکمرانی می‌پردازند.

وظایف و اختیارات رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران بر نظریه «ولایت مطلقه فقیه»<sup>۵</sup> استوار است. مطابق این نظریه «حکم حکومتی» در عصر غیبت امام معصوم به ولی فقیه محول

<sup>۱</sup>. Decentralization

<sup>۲</sup>. Separation of Powers

<sup>۳</sup>. Checks and balance

<sup>۴</sup>. Doctrine of the Separation of Powers

می‌گردد. توضیح آنکه نظام «باید و نباید» اسلام در احکام فقهی بروز و ظهور می‌یابد و احکام فقهی سه دسته‌اند: احکام «اولیه»، «ثانویه» و «حکومتی». قوانین و مقررات عملی فردی و اجتماعی فقهی در این نظام سه‌گانه تولید می‌شود تا خود را با شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی هماهنگ کنند. حکم اولی، «به آن دستوری گفته می‌شود که شارع اسلام بر مبنای صلاح و فساد اولی موجود در موضوع یا متعلق، انشا کرده است» (یزدی، ۱۳۶۴: ۸۹). این نوع از احکام در حالت عادی است که «در موضوع آن حالتی خاص مانند: اکراه، اضطرار، تقیه، ضرر، عسر و حرج و... پدیدار نشده باشد و در شرایط عادی، بر عهده مکلفان قرار داده شده است» (اسلامی، ۱۳۸۲: ۴۶)؛ مانند اجتناب از اکل میت و گوشت خوک، و جوب روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان و مانند آن. اما حکم ثانوی، «در موردی است که شارع بر مبنای تراحم و صلاح و فساد حالت عارض و موقت، با مصلحت و مفسده اولی جعل حکم می‌کند» (یزدی، ۱۳۶۴: ۸۹)؛ مانند اباحه و بلکه وجوب خوردن گوشت خوک به هنگام اضطرار و برای فرار از مرگ، جواز افطار روزه برای کسی که روزه برای او ضرر داد و مثل آن. حکم حکومتی اما عبارت‌اند از کلیه دستوراتی که ولی امر به جهت شأن صدور رأی در امور حکومتی و قضایی و در جهت مصالح امت اسلامی وضع می‌کند (مردی، ۱۳۹۵: ۱۴۳). حکم حکومتی می‌تواند، موقتاً یکی از احکام اولیه شرعی را به جهت مصالح امت اسلامی تعطیل کند. بر این مبنا احکام حکومتی می‌تواند در عرض احکام اولیه اسلامی قرار بگیرد؛ مانند «خیابان‌کشی‌ها که مستلزم تصرف در منزلی است یا حریم آن است در چارچوب احکام فرعی نیست. نظام وظیفه و اعزام الزامی به جبهه‌ها و جلوگیری از ورود و خروج ارز و جلوگیری از ورود یا خروج هر نحو کالا و منع احتکار در غیر دو سه مورد و گمرکات و مالیات و جلوگیری از گران‌فروشی، قیمت‌گذاری و جلوگیری از پخش مواد مخدره و منع اعتیاد به هر نحو غیر از مشروبات الکلی، حمل اسلحه به هر نوع که باشد و صدها امثال آن.» (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ۲۰: ۴۵۱-۴۵۲) انواع حکم‌های فقهی را به شکلی که در جدول ذیل آمده، می‌توان نظام‌بندی کرد:

جدول ۱: انواع احکام فقهی

نوع حکم	اولی	ثانوی	حکومتی
منبع حکم	کتاب و سنت	عقل	عقل
نسبت با حکم اولی	---	مخالفت	مخالفت
ثبات یا تغییر	ثابت	متغیر	متغیر
فردی یا اجتماعی	فردی و اجتماعی	فردی و اجتماعی	اجتماعی
مرجع تشخیص	مسئله: فقیه   موضوع: مکلف	مسئله: فقیه   موضوع: مکلف	مسئله و موضوع: ولی فقیه
شرایط	شرایط عادی	شرایط غیرعادی	شرایط غیرعادی
رویه	قاعده	استثناء	استثناء

بنابراین خصوصیت حکم حکومتی این است که:

- در مسائل اجتماعی است؛
- در مواقعی است که شرایط عادی نیست و معضل به وجود آمده است؛
- در مخالفت با احکام و قوانین در شرایط عادی است؛
- مرجع تشخیص آن ولی فقیه است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در شرح وظایف و اختیارات رهبری، به حکم حکومتی اشاره کرده است و حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست را بر عهده رهبر نهاده است (بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی) و در شرایطی غیرعادی اختیاراتی فراتر از قوانین عادی را به رهبری می‌دهد.

مطابق قانون اساسی، کارویژه مهم مقام رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران، «سیاست‌گذاری کلان» است که مطابق اصل ۱۱۱ قانون اساسی، مجلس خبرگان رهبری وظیفه

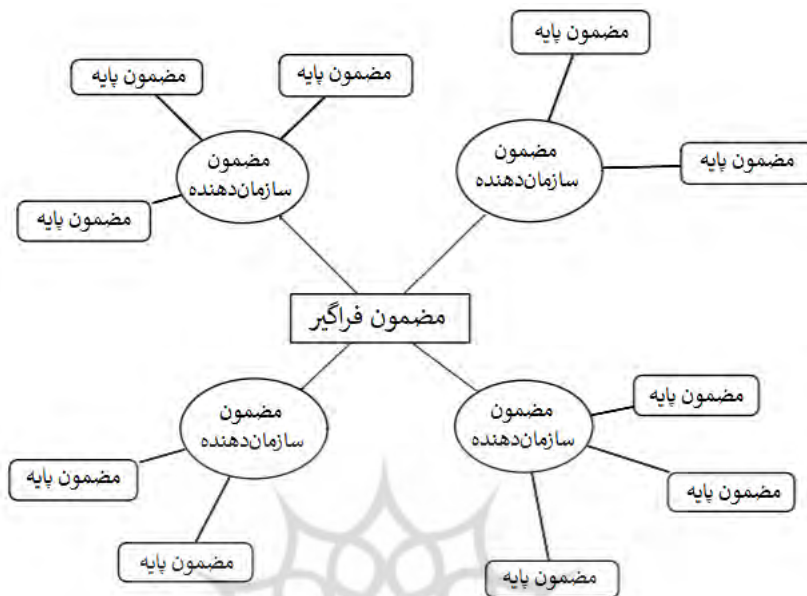
انتخاب، نظارت و در صورت لزوم عزل رهبر را بر عهده دارند. مطابق قانون اساسی، رهبری وظایف ذیل را بر عهده دارد:

- تعیین سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر آن
- فرماندهی کل نیروهای مسلح، صدور حکم حکومتی
- حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه
- تعیین برخی از اعضای شورای عالی امنیت ملی
- تأیید مصوبات آن، نصب، عزل و قبول استعفای شماری از مسئولان
- عفو و تخفیف مجازات محکومین

البته باید توجه داشت که رهبری در کنار این اختیارات از شماری اختیارات تشریفاتی و همچنین شماری از اختیاراتی که تا کنون از آن استفاده نشده نیز برخوردار است (مردنی، ۱۴۰۰: ۱۹۸-۱۹۴).

### ج) روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای- اسنادی جمع‌آوری گردیده و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از روش «تحلیل مضمون» از طریق نرم‌افزار MAXQDA صورت پذیرفته است. تحلیل مضمون یکی از روش‌های پژوهشی بر روی متون است و در مواجهه با حجم عظیم داده‌ها کاربرد دارد. با استفاده از این روش، داده‌های متن کاهش یافته، بخش‌بندی، مقوله‌بندی و تلخیص می‌گردند و سپس به گونه‌ای بازسازی می‌شوند که مفاهیم و الگوهای موجود در متن از درون داده‌ها استخراج گردند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۶۶). محصول تحلیل مضمون توصیف مفاهیم و الگوهای مهم موجود در متن و ارائه آن‌ها در قالب یک طرح کلان و یکپارچه است. برای تشریح چگونگی این الگوها از شبکه مضامین می‌توان بهره برد. شبکه مضامین حاصل نظام‌مند کردن سه سطح از مضامین (مضامین فراگیر، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین پایه‌ای) و ایجاد و نمایش رابطه بین آنهاست (جمال‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۰۷-۱۰۸). در «شکل ۱»، ساختار شبکه مضامین را مشاهده می‌کنیم:



شکل ۱: ساختار یک شبکه مضمونی (Attride-Stirling 2001:388)

جزئیات مراحل و گام‌های اجرایی روش تحلیل مضمون در جدول شماره ۲ سامان یافته است. این جدول از مقاله «استرلینگ» استخراج شده (Attride-Stirling, 2001: 391) و در سامان دادن آن در جدول، از مقاله «تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای» ایده گرفته است (ر.ک. ردادی، ۱۳۹۴: ۵۷).



جدول ۲: مراحل و گام‌های اجرایی روش تحلیل مضمون

مراحل روش	گام‌های اجرایی	جزئیات گام‌ها	
کاهش یا خردکردن متن	گام اول: کدگذاری	طراحی چارچوب کدگذاری تبدیل متن به پاره‌گفتارها	
	گام دوم: شناسایی مضامین	استخراج مضامین از پاره‌گفتارها اصلاح مضامین	
	گام سوم: ساختن شبکه‌های مضمونی	مرتب کردن مضامین پیدا کردن مضامین پایه‌ای سازماندهی مجدد برای یافتن مضامین سازمان‌دهنده استنتاج مضامین فراگیر ترسیم شبکه مضمونی بازبینی و اصلاح شبکه مضمونی	
	کاوش متن	گام چهارم: توصیف و کشف شبکه‌های مضمونی	توصیف شبکه اکتشاف شبکه
		گام پنجم: تلخیص شبکه مضمونی	
		گام ششم: تفسیر الگوها	
	یکپارچه‌سازی اکتشاف		

د) کاربرد روش پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در این بخش از نوشتار به کاربرد روش «تحلیل مضمون» به جهت بررسی وظایف و اختیارات رهبر در نظام جمهوری اسلامی ایران از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازیم. به همین منظور داده‌های موجود در پایگاه اطلاع‌رسانی «دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای»<sup>۱</sup> در چهاربخش «بیانات»، «پیام‌ها»، «نامه‌ها» و «ابلاغیه‌ها» حوزه مورد بررسی این پژوهش شناخته شد. با توجه به آنکه پایگاه اطلاع‌رسانی مذکور خود به آرشیو موضوعی بیانات آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازد؛ تمامی فیش‌برداری‌های ذیل عنوان «وظایف رهبری» به عنوان منبع اساسی

<sup>۱</sup> www.Khamenei.ir

گردآوری داده در این باب مورد استفاده قرار گرفت؛ به خصوص آنکه در ذیل عنوان خود «اختیارات رهبری» را نیز پوشش داده بود. در ادامه فیش‌های جمع‌آوری شده توسط پژوهشگر نیز به داده‌ها اضافه گردید.

### ▪ نخست؛ کدگذاری

در گام اول از گام‌های اجرایی روش تحلیل مضمون عملیات کدگذاری انجام شد. کدگذاری بر مبنای «تاریخ بیانات» و «شماره فیش» انجام شده است. دو رقم اول، «سال» را نشان می‌دهند. دو رقم بعدی «ماه» را نشان می‌دهند و دو رقم پس از آن، «شماره روز» را نشان می‌دهند و رقم یا ارقام بعد از آن «شماره فیش» هستند. به عنوان مثال کدگذاری «۹۵۰۴۱۲۵» به این معناست که این بیانات در سال ۹۵ و در روز ۱۲ تیرماه (ماه ۰۴) انجام شده و این فیش شماره ۵ است که از این بیانات استخراج شده است. عملیات کدگذاری به علت حجم بالای آن در متن مقاله آورده نشده است؛ اما در «پیوست ۱» قابل دسترسی است.

### ▪ دوم؛ شناسایی مضامین

در اجرای گام دوم روش تحلیل مضمون، به استخراج مضامین از سخنان کدگذاری شده آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته شد و مضامین مرتبط با موضوع «وظایف و اختیارات رهبری» استخراج شد که در «جدول ۲» آورده شده است.

جدول ۳: مضمون‌یابی

نشانه‌گذاری	مضمون پایه
6907111	لزوم حمایت از ارگان‌های قانونی مورد تهاجم
7605091	حمایت از دولت در عین حفظ انتقادات
7609051	وظیفه مقابله با تبلیغات دشمن علیه دولت
7609052	وحدت‌بخشی و ایجاد انس و الفت در جامعه
7609053	حل مشکلات لاعلاج دولت توسط رهبری
7609054	مشخص بودن وظایف و اختیارات

<sup>1</sup>. Coding

7706121	حمایت از سه قوه در عین وجود انتقادات
7706122	لزوم حمایت از مسئولان در منظر عام
7706123	ورود به مسائلی که دخالت در کار قوه نباشد
7706124	حمایت از سه قوه در عین وجود انتقادات
7712041	سیاست‌گذاری کلی نظام
7712042	نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی
7712043	اجرا؛ وظیفه دولت
7712043	قانون‌گذاری به عهده مجلس
7712044	عدم دخالت در امور اجرایی و مدیریتی نهادهای زیرمجموعه رهبری
7712044	الزام به پاسخ‌گویی در حوزه اختیارات
7712045	مدیریت نیروهای مسلح
7712046	برخورد با تقصیرها در حوزه اختیارات
7904191	جلوگیری از انحراف نظام
7904192	اداره کشور به عهده مسئولان
7904193	جلوگیری از انحراف نظام
7912221	انطباق وظایف رهبری با قانون اساسی
7912222	سیاست‌گذاری کلی نظام
7912223	رهبری برای حل مشکلات نباید فراتر از قانون حرکت کند
7912224	مسئولیت گماشتن مهم‌ترین و بیشترین بخش‌ها با رهبری نیست
7912225	الزام رهبری به اجرای قانون
7912226	لزوم نظارت حداکثری خیرگان بر رهبر
7912227	نظارت عامه بر رهبری
7912228	مبارزه با فقر و فساد توسط دولت
8001011	وظیفه هماهنگی میان قوا
8008081	وظیفه هماهنگی میان قوا
8008082	مدیریت عمده، اداره امور اجرایی و هزینه بودجه کلان توسط دولت

8008083	نظارت بر عملکرد مسئولان دولتی به عهده مجلس
8008083	قانون‌گذاری به عهده مجلس
8008084	تعقیب متخلفان از قانون و احقاق حق؛ وظیفه قوه قضائیه
8008085	عدم مداخله رهبری در مسئولیت دستگاه‌ها
8008086	مهم‌ترین وظیفه رهبری: تعیین سیاست‌های کلی نظام
8008087	سیاست‌گذاری کلی نظام
8105051	جلوگیری از انحراف نظام
8105052	اجرا به عهده مسئولان اجرایی
8105053	جلوگیری از انحراف نظام
8202221	اولویت‌دهی به بسیج افکار عمومی
8202222	سیاست‌گذاری کلی نظام
8202223	وظیفه تبیین مسائل برای افکار عمومی
8202224	عدم مدیریت اجرایی توسط رهبر
8202225	جواز دخالت رهبری در دستگاه‌هایی آشکارا آماده کار نباشند
8202226	تذکر به مسئولین در جلسات خصوصی
8202227	الزام به پاسخ‌گویی در حوزه اختیارات
8202228	مدیریت نیروهای مسلح
8202229	مسئولیت اجرا به عهده قوای سه‌گانه
82022210	جلوگیری از انحراف نظام
82022211	مسئولیت اجرا به عهده قوای سه‌گانه
82022212	عدم مداخله رهبری در مسئولیت دستگاه‌ها
82022213	الزام رهبری به اجرای قانون
8206051	عدالت‌خواهی پایه مشروعیت رهبری
8209261	مهم‌ترین وظیفه رهبری: تعیین سیاست‌های کلی نظام
8209262	جواز دخالت در امور اجرایی در تخلفات آشکار
8209263	التزام رهبری به قانون مجلس حتی در صورت انتقاد به آن

8209264	التزام به تصمیم‌گیری‌های دولت
8209265	جلوگیری از انحراف نظام
8209266	صدور حکم حکومتی به جهت جلوگیری از انحراف نظام
8209267	الزام رهبری به اجرای قانون
8209268	صدور حکم حکومتی به جهت کمک به مسئولین
8209268	انحصار صدور حکم حکومتی به موقعیت اضطراری
8209269	صدور حکم حکومتی به جهت کمک به مسئولین
8209269	انحصار صدور حکم حکومتی به موقعیت اضطراری
82092610	ارجاع معضلات کلان نظام به مجمع تشخیص برای صدور حکم
82092610	انحصار صدور حکم حکومتی به موقعیت اضطراری
82092611	الزام رهبری به اجرای قانون
8210221	سلب مشروعیت رهبر در صورت عمل خلاف شرع
8210221	عزل رهبری در صورت عدول از شرایط
8210222	التزام رهبری به قانون مجلس حتی در صورت انتقاد به آن
8210223	حل اختلافات میان نهادها در زمان ضرورت
8210223	حل اختلافات میان مسئولین بر مبنای قانون
8402171	جلوگیری از انحراف نظام
8404031	وظیفه صحبت درباره معیار انتخاب اصلح و اصل انتخابات
9007241	صدور حکم حکومتی به جهت جلوگیری از انحراف نظام
9007241	الزام رعایت مبانی دینی و شرعی
9007242	عزل رهبری در صورت عدول از شرایط
9007243	عدم مدیریت اجرایی توسط رهبر
9007244	مدیریت کلان ارزشی
9007245	جلوگیری از انحراف نظام
9007246	عدم مدیریت اجرایی توسط رهبر
9007247	جلوگیری از انحراف نظام

۲۰ «وظایف و اختیارات رهبری» از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای... —————

9007248	عدم جواز دخالت در تصمیم‌گیری‌های موردی دستگاه‌های دولتی
9007249	جلوگیری از انحراف نظام
90072411	مشخص بودن وظایف و اختیارات
90072412	جلوگیری از انحراف نظام
90072413	صدور حکم حکومتی به جهت جلوگیری از انحراف نظام
9206141	لزوم حمایت از دولت
9206142	حمایت از دولت در عین حفظ انتقادات
9411281	وظیفه تبیین مسائل برای افکار عمومی
9504121	عدم جواز دخالت در تصمیم‌گیری‌های موردی دستگاه‌های دولتی
9504122	جلوگیری از اشتباهات موردی مسئولین وظیفه مجلس و دولت
9504123	عدم جواز دخالت در تصمیم‌گیری‌های موردی دستگاه‌های دولتی
9504124	جلوگیری از انحراف نظام
9504124	دخالت در امور جزئی در صورت انحراف نظام
9504125	مصادق دخالت در امور جزئی: الیاف کربن
9504126	جلوگیری از انحراف نظام
9504127	اکتفا به تذکر به مسئولین بدون ایجاد ممانعت
9504127	مصادق تذکر بدون ممانعت: خرید ایرباس توسط دولت
9504128	جواز دخالت در امور اجرایی در موارد خاص
9808281	اجازه برداشت از صندوق توسعه ملی به دولت با صدور حکم حکومتی
9808282	اجرا؛ وظیفه دولت

▪ سوم؛ ساختن شبکه‌های مضمونی

در گام سوم، ضمن مرتب‌کردن مضامین و پیدا کردن مضامین پایه‌ای تلاش برای سازماندهی دوباره و یافتن مضامین سازمان‌دهنده صورت گرفت و دو مضمون فراگیر از آن استنتاج شد. بنابراین مضامین پایه‌ای، سازمان‌دهنده و فراگیر استخراج گردید و در «جدول ۳» سامان یافت.

جدول ۳: شبکه مضامین وظایف و اختیارات رهبری

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه
وظایف و اختیارات رهبری	حمایت	لزوم حمایت از مسئولان در منظر عام
		لزوم حمایت از ارگان‌های قانونی مورد تهاجم
		حمایت از سه قوه در عین وجود انتقادات
		لزوم حمایت از دولت
		حمایت از دولت در عین حفظ انتقادات
		حل مشکلات لاعلاج دولت توسط رهبری
		وظیفه مقابله با تبلیغات دشمن علیه دولت
		صدور حکم حکومتی به جهت کمک به مسئولین
		اجازه برداشت از صندوق توسعه ملی به دولت با صدور حکم حکومتی
		ارجاع معضلات کلان نظام به مجمع تشخیص برای صدور حکم
		انحصار صدور حکم حکومتی به موقعیت اضطراری

و ن:	سیاست‌گذاری کلی نظام
	مهم‌ترین وظیفه رهبری: تعیین سیاست‌های کلی نظام
	مدیریت کلان ارزشی
	وحدت‌بخشی و ایجاد انس و الفت در جامعه
	وظیفه صحبت درباره معیار انتخاب اصلاح و اصل انتخابات
	وظیفه تبیین مسائل برای افکار عمومی
	اولویت‌دهی به بسیج افکار عمومی
	وظیفه هماهنگی میان قوا
	حل اختلافات میان نهادها در زمان ضرورت
ق ن:	اکتفا به تذکر به مسئولین بدون ایجاد ممانعت
	مصادق تذکر بدون ممانعت: خرید ایرباس توسط دولت
	تذکر به مسئولین در جلسات خصوصی
	ورود به مسائلی که دخالت در کار قوه نباشد
	برخورد با تقصیرها در حوزه اختیارات
	نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی
	جلوگیری از انحراف نظام
	دخالت در امور جزئی در صورت انحراف نظام
	مصادق دخالت در امور جزئی: الیاف کرین
صدور حکم حکومتی به جهت جلوگیری از انحراف نظام	
ا ن:	مدیریت نیروهای مسلح
	جواز دخالت در امور اجرایی در موارد خاص
	جواز دخالت در امور اجرایی در تخلفات آشکار
	جواز دخالت رهبری در دستگاه‌هایی آشکارا آماده کار نباشند

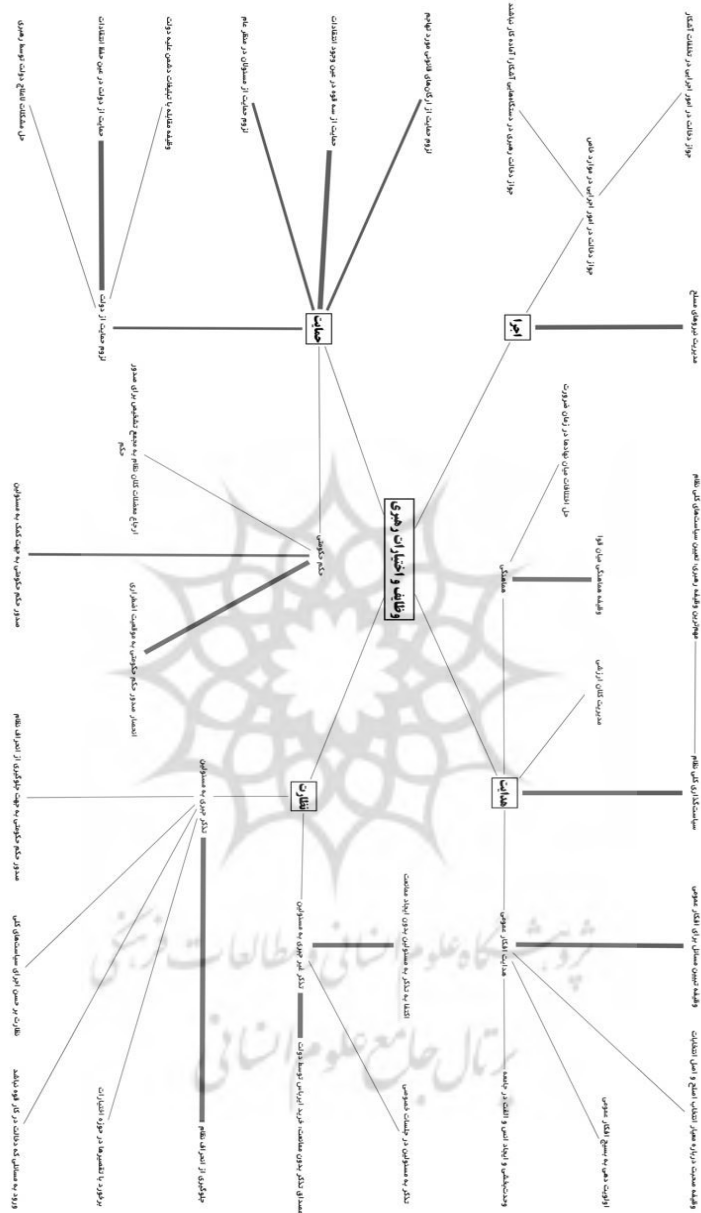


<b>حدود وظایف و اختیارات رهبری</b>	رعایت قانون	رهبری برای حل مشکلات نباید فراتر از قانون حرکت کند
		الزام رهبری به اجرای قانون
		انطباق وظایف رهبری با قانون اساسی
		التزام رهبری به قانون مجلس حتی در صورت انتقاد به آن
		حل اختلافات میان مسئولین بر مبنای قانون
		مشخص بودن وظایف و اختیارات
	رعایت مبانی دینی و شرعی	الزام رعایت مبانی دینی و شرعی
		عدالت‌خواهی پایه مشروعیت رهبری
		سلب مشروعیت رهبر در صورت عمل خلاف شرع
	همراهی با تصمیمات دولت	التزام به تصمیم‌گیری‌های دولت
	نفی مدیریت اجرایی	عدم مدیریت اجرایی توسط رهبر
		اداره کشور به عهده مسئولان
		اجرا به عهده مسئولان اجرایی
		مسئولیت اجرا به عهده قوای سه‌گانه
		اجرا؛ وظیفه دولت
		مبارزه با فقر و فساد توسط دولت
مدیریت عمده، اداره امور اجرایی و هزینه بودجه کلان توسط دولت		
عدم جواز دخالت در تصمیم‌گیری‌های موردی دستگاه‌های دولتی		
عدم دخالت در امور اجرایی و مدیریتی نهادهای زیرمجموعه رهبری		

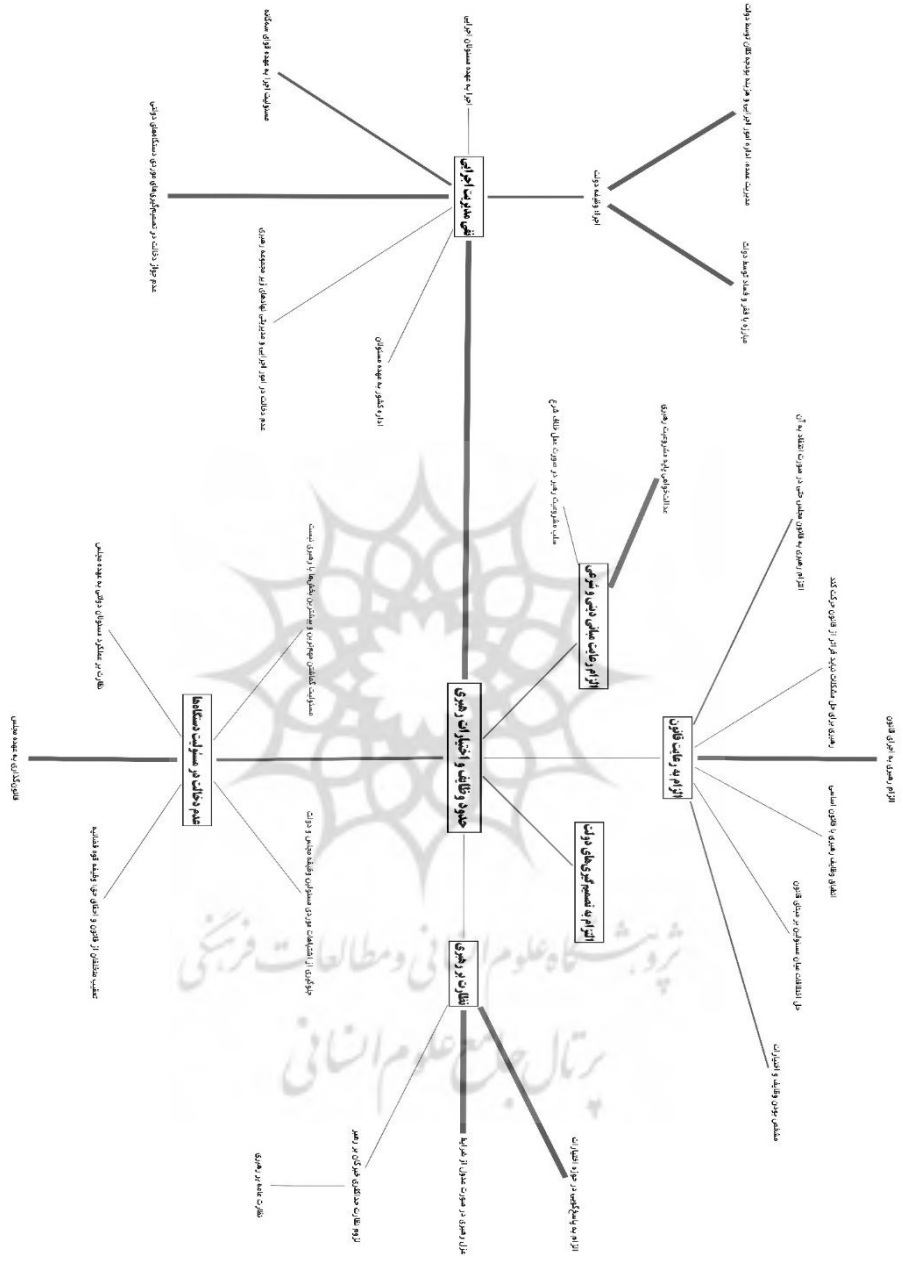
عدم دخالت در مسئولیت دستگاه‌ها	عدم مداخله رهبری در مسئولیت دستگاه‌ها
	مسئولیت گماشتن مهم‌ترین و بیشترین بخش‌ها با رهبری نیست
	جلوگیری از اشتباهات موردی مسئولین وظیفه مجلس و دولت
	تعقیب متخلفان از قانون و احقاق حق؛ وظیفه قوه قضائیه
	نظارت بر عملکرد مسئولان دولتی به عهده مجلس
	قانون‌گذاری به عهده مجلس
نظارت بر رهبری	لزوم نظارت حداکثری خیرگان بر رهبر
	نظارت عامه بر رهبری
	الزام به پاسخ‌گویی در حوزه اختیارات
	عزل رهبری در صورت عدول از شرایط

در ادامه نوبت به ترسیم شبکه مضمونی حدود وظایف و اختیارات رهبری می‌رسد. در ترسیم شبکه مضمونی با توجه به گستره موضوع و تعدد فیش‌ها و مضامین و به جهت انتقال بهتر مفهوم، بخش «ایجابی» وظایف و اختیارات رهبری از بخش «سلبی» جدا شد. در «شکل ۲» بخش «ایجابی» (وظایف و اختیارات رهبری) و در «شکل ۳» بخش «سلبی» (حدود آن) ترسیم شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۲: رسم شماتیک وظایف و اختیارات رهبری



شکل ۳: رسم شماتیک حدود وظایف و اختیارات رهبری

### ▪ چهارم، توصیف و کشف شبکه‌های مضمونی

در گام چهارم به توصیف و کشف شبکه مضمونی در باب وظایف و اختیارات رهبری پرداخته شده و دو وجه ایجابی و سلبی وظایف و اختیارات توضیح داده شده است:

#### وجه ایجابی وظایف و اختیارات

نگاه آیت‌الله خامنه‌ای در باب وظایف و اختیارات رهبری در حوزه‌های مختلف را به شکل ذیل می‌توان سامان داد:

**هدایت:** رهبری مسئولیت سیاست‌گذاری کلی نظام، هدایت افکار عمومی و در یک کلام «مدیریت کلان ارزشی نظام» را بر عهده دارد. آیت‌الله خامنه‌ای مهم‌ترین وظیفه رهبری را «تعیین سیاست‌های کلی نظام» می‌داند. در کنار آن مطابق بند هفتم اصل ۱۱۰ قانون اساسی «حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه» بر عهده رهبر است. در این باب نیز باید گفت که آیت‌الله خامنه‌ای اعتقاد دارد که رهبر تا هنگامه «ضرورت» لازم نیست در اختلافات میان قوا ورود کند و پس از آن نیز باید بر مبنای قانون به داوری بپردازد.

**نظارت:** بند دوم اصل ۱۱۰ قانون اساسی، نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام را از اختیارات رهبری می‌داند. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، رهبری دو نوع نظارت را بر مسئولین را دنبال می‌کند. یک نوع از این نظارت، «غیرجبری» است که در قالب تذکری‌های ارشادی به مسئولین تحقق می‌یابد و در آن، رهبر به تذکر اکتفا کرده و اجبار یا ممانعتی به کار نمی‌بندد. نوع دیگری از تذکر به مسئولین در قالب تذکر جبری است. این نوع از نظارت‌های جبری چند دسته‌اند:

- مواردی که دخالت در کار قوه نباشد و در حوزه اختیارات رهبر باشد.
- به جهت جلوگیری از انحراف نظام
- نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی

**حمایت:** مطابق نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر وظیفه دارد در عین وجود انتقادات به قوا از آن‌ها حمایت کند. در عین حال ایشان بر حمایت خاص از دولت تأکید دارد و به همین جهت نیز عمده «احکام حکومتی» صادرشده توسط آیت‌الله خامنه‌ای در جهت گره‌گشایی و حل مشکلات دولت بوده است.

**اجرا (به صورت محدود):** آیت‌الله خامنه‌ای رهبری را مسئولیت اجرایی نمی‌داند و معتقد است به جز مدیریت نیروهای مسلح، رهبر مسئولیت اجرایی ندارد. البته معتقد است در

صورتی که در مواردی تخلفات آشکاری در امور اجرایی صورت بگیرد، رهبر می‌تواند به مسئله ورود کند که آن نیز عمدتاً سنخ نظارتی دارد و نه اجرایی.

### وجه سلبی وظایف و اختیارات

از طرف دیگر باید توجه داشت که رهبری در انجام مسئولیت‌های خود دارای موانع و محدودیت‌هایی است که این محدودیت‌ها اتفاقاً نشانه‌ای مثبت نیز تلقی می‌شود چراکه تفاوت نظام مردم‌سالاری دینی با دیکتاتوری را به وضوح نمایان می‌کند. در ادامه این مسئله از منظر آیت‌الله خامنه‌ای بررسی می‌شود:

**الزام به رعایت قانون:** آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است رهبر حتی در صورت انتقاد از قانون، باید به آن احترام بگذارد و حتی به جهت حل مشکلات نباید فراتر از قانون حرکت کند. به عبارت دیگر رهبر فوق‌قانون اساسی نیست بلکه باید بر طبق آن حرکت کند. البته این مسئله نافی آن نیست که مطابق همان قانون اساسی در شرایط اضطراری، رهبر اختیارات ویژه‌ای (حکم حکومتی) داشته باشد و بر اساس آن بتواند برخی از قوانین را به صورت موقت تعطیل کند.

**الزام به رعایت مبانی دینی و شرعی:** آیت‌الله خامنه‌ای اعتقاد دارد در صورتی که رهبر مرتکب عمل خلاف شرع شود؛ مشروعیت خود را از دست می‌دهد. او همچنین عدالت‌خواهی را بنیان مشروعیت رهبر می‌داند.

**التزام به تصمیم‌گیری‌های دولت:** از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، در صورتی که دولت مصوبات و تصمیم‌گیری‌هایی داشته باشد که رهبری هم شامل آن بشود، رهبر خود را موظف می‌داند به آن تصمیم‌گیری‌ها و مصوبات عمل کند.

**عدم دخالت در مسئولیت دستگاه‌ها:** قانون اساسی برای هر نقشی در نظام جمهوری اسلامی، وظایف و اختیارات معینی را مشخص کرده است. رهبری و قوای سه‌گانه هر کدام وظایفی معین را دارند. آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است که رهبر نمی‌تواند در مسئولیت دستگاه‌های مختلف ورود و دخالت داشته باشد، ایشان وظیفه دولت را اجرا، وظیفه مجلس را قانون‌گذاری و نظارت و وظیفه قوه قضائیه را تعقیب متخلفان از قانون و احقاق حق می‌داند. **نفی مدیریت اجرایی:** بحث «عدم دخالت در مسئولیت دستگاه‌ها» با ادبیات «نفی مدیریت اجرایی» نیز در کلام آیت‌الله خامنه‌ای طرح شده است. ایشان در موارد متعدد تأکید دارد که رهبر، مدیر اجرایی نیست. به همین جهت ایشان معتقد است رهبر مجاز نیست در تصمیم‌گیری‌های موردی دستگاه‌های دولتی ورود کند. همچنین فراتر از آن تأکید می‌کند

که در مدیریت و مسائل اجرایی دستگاه‌هایی هم‌چون صداوسیما دخالت نمی‌کنند زیرا در این موارد نیز رهبر صرفاً مسئولیت نصب، عزل یا قبول استعفای مدیر آن را بر عهده دارد و نه مدیریت سازمان را.

**نظارت بر رهبری:** در کنار تمامی این مسائل، آیت‌الله خامنه‌ای بر الزام به پاسخ‌گویی رهبر در حوزه اختیاراتش و همچنین لزوم نظارت حداکثری خبرگان بر رهبری تأکید دارد تا در صورت عدول رهبر از شرایطش، به عزل رهبری بپردازند.

### ▪ پنجم، تلخیص شبکه مضمونی

در گام پنجم، به تلخیص شبکه مضمونی «وظایف و اختیارات رهبری» از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته شده است؛ که در «شکل ۴» مشاهده می‌گردد:



شکل ۲: خلاصه شبکه مضمونی «وظایف و اختیارات رهبری از منظر آیت‌الله خامنه‌ای»

### ▪ ششم؛ تفسیر الگوها

گام ششم روش تحلیل مضمون تفسیر الگوهاست. در واقع این بخش از پژوهش است که به آن ماهیت تحلیلی می‌دهد و فراتر از توصیف، به تجزیه و تحلیل موضوع منجر می‌شود. در باب موضوع این پژوهش نیز باید گفت که در نظام‌های دموکراتیک، تمرکز بیش از اندازه قدرت امر

مطلوبی تلقی نمی‌شود و به این جهت «تفکیک قوا»، «توزیع قدرت»، «حاکمیت قانون»، «کنترل قدرت» و مواردی از این دست برای محدودیت اختیارات حاکمان توصیه شده است اما از سوی دیگر این محدودیت‌ها نیز نباید به بحران «اعمال حکمرانی» تبدیل شوند. به این معنا که آنقدر اختیارات محدود شود که قدرت اداره کشور از مقامات سلب شود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ویژه در اصل ۱۱۰، چارچوب وظایف و اختیارات رهبری معین شده است. هنگامی که چارچوب معین گشت؛ بدیهی است اعمال اختیاراتش با محدودیت‌هایی روبه‌روست که البته برخی از آن‌ها از الزامات یک نظام دموکراتیک و مردم‌سالار است. در کنار آن برخی از این محدودیت‌ها نیز به علت نقص در قوانین یا وجود اشکالات در ساختار نظام سیاسی است. با توجه به موارد فوق هنگامی که به بررسی نگاه آیت‌الله خامنه‌ای در باب «وظایف و اختیارات رهبری» پرداخته می‌شود؛ مشخص می‌شود ایشان اختیارات رهبر را مضعف‌تر از دیدگاه متعارف فهم می‌کند. تبیین این دیدگاه مستلزم توجه به نکاتی چند است که در ادامه می‌آید.

(۱) کارویژه اصلی رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران، «سیاست‌گذاری کلان» است. این نشانگر آن است که جایگاه رهبر، از اساس نقشی هدایتی دارد ... مکمل نقش هدایتی رهبری نقش نظارتی است که مطابق قانون اساسی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام را بر عهده رهبری نهاده است؛ البته به علت ضمانت اجرای حقوقی ضعیف، این حوزه به شدت تضعیف شده است (مرندی، ۱۴۰۰: ۱۹۰-۱۹۱). به عبارت بهتر سیاست‌های کلی نظام هر چند شأنی بالاتر از قوانین مجلس دارند و جزو اسناد بالادستی به حساب می‌آیند اما چون از جنس قانون نیستند، دادگاه‌ها نمی‌توانند با استناد به آن حکم صادر کنند. دیوان عدالت اداری نیز نمی‌تواند به ادعای مغایرت مصوبات دولتی با سیاست‌های کلی نظام رسیدگی کند (موسی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۷۳-۱۷۴). بنابراین اصلی‌ترین اختیار رهبری در حکمرانی به دلیل نبود ضمانت اجرا مهجور مانده است؛ به این معنا که هرچند از منظر حقوق اساسی، «نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی» اطلاق دارد و گستره اختیارات گسترده‌تری را شامل می‌شود اما در عرصه عمل ضعف ضمانت اجرای سیاست‌های کلی در حوزه حقوقی، سبب انتقال ضمانت اجرا به حوزه کاریزماتیک و معنوی شده است و رهبر برای هر بار استفاده از ضمانت اجرای سیاست‌های کلی باید شخصاً ورود کند و از کاریزمای خود استفاده کند تا اختیاراتش اعمال شود. این مسئله نقص‌های بسیاری دارد و خود می‌تواند سبب ایجاد بحران گردد. از طرف دیگر همین مسئله باعث شده اجرای فرمان‌های رهبری تا حد



زیادی منوط به شخصیت کاریزماتیک رهبر شود... شکاف میان «اختیارات رهبری مبتنی بر نگاه حقوقی» و «اختیارات رهبری در عرصه عمل» بسیار عمیق و شدید است. از منظر حقوقی و مبتنی بر قانون اساسی، «تعیین سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرای آن» بر عهده رهبر است اما در عرصه عمل ابزاری برای اعمال آن وجود ندارد. همین موضوع محملی جهت تبلیغات رسانه‌ای نیز شده است به گونه‌ای که اپوزیسیون نظام با اشاره به بند اول و دوم اصل ۱۱۰ قانون اساسی (مربوط به سیاست‌های کلی) و همچنین با توجه به وجود اختیار «حکم حکومتی» ادعا می‌کنند کلیه امور کشور مبتنی بر اراده رهبری است. حال آنکه در این سخن دو اشتباه وجود دارد. اشتباه اول آنکه سیاست‌گذاری کلی آن قدر عام تعریف می‌شود که سیاست‌گذاری میانی و جزئی، تقنین، اجرا و سایر موارد را نیز شامل می‌شود. در حالی که مقصود قانون اساسی آن است که راهبردهای کلان نظام توسط رهبری تعیین شود. دوم آنکه میان «اختیارات رهبری مبتنی بر نگاه حقوقی» و «اختیارات رهبری در عرصه عمل» خلط می‌کنند. چنانچه گفته شد رهبری مبتنی بر قانون اساسی از اختیارات متعادل و متناسبی برخوردار است اما در عرصه عملی به علت فقدان ضمانت اجرا، ابزار اعمال سیاست‌های کلی دچار ضعف اساسی است به گونه‌ای که در مواجهه با قوه مجریه فاقد ابزار نظارتی و ضمانت اجراست (مرندی، ۱۴۰۰: ۲۰۴-۲۰۶).

(۲) در باب سنخ‌شناسی احکام حکومتی باید گفت این احکام به جهت «حل معضل» و «گره‌گشایی» و غالباً در راستای «حمایت از دولت مستقر» بوده است و برای رهبری بیش از آنکه از سنخ «اختیار» بوده باشد، از سنخ «وظیفه» بوده است. به این معنا که «هزینه‌ای» بوده که رهبری به جهت «حمایت» از دولت پرداخته است؛ هر چند در برآیند نهایی، نظام نیز از آن منفعت برده است (مرندی، ۱۴۰۰: ۲۰۶). در فضای عملیاتی حکم حکومتی در عمده موارد اختیاراتی را برای دولت ایجاد کرده و در موارد اندکی به تضییق اختیارات دولت یا مجلس منجر شده است.

(۳) در باب «حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه» باید توجه داشت که رهبر تنها «حکم» یا «داور» این اختلافات است و باید مبتنی بر «قانون اساسی» بین ایشان داوری کند و نمی‌تواند مطابق سلیقه شخصی خود به حل اختلاف بپردازد. چه آنکه آیت‌الله خامنه‌ای خود در این باب می‌گوید: «هماهنگ‌کننده سه قوه، رهبر است و رهبری می‌تواند این مشکلات را برطرف کند. معیار همکاری، قانون اساسی است که وظایف،

حکم موارد اختلاف و تنازع و حکم و مرجع را هم معلوم کرده است. «آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم اصفهان، ۱۳۸۰/۰۸/۰۸»

(۴) در باب برخی از نهادهای زیر نظر رهبری یا نهادهایی که مدیر یا اعضای آن توسط رهبر انتخاب می‌شوند نیز باید توجه داشت که قدرت ایشان توسط سایر بخش‌های درون یا بیرون از نظام کنترل می‌شود. به عنوان مثال در فرایندی کاملاً قانونی در باب صداوسیما مطابق اصل ۱۷۵ قانون اساسی، «شورایی مرکب از نمایندگان رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی (هرکدام دو نفر)» بر سازمان صداوسیما نظارت می‌کنند. البته گاهی نیز اعمال قدرت به نهادهای زیرمجموعه رهبری در فرایندی فراقانونی صورت می‌پذیرد. به عنوان مثال «سازمان برنامه و بودجه» که «مستقیماً زیر نظر ریاست‌جمهور انجام‌وظیفه می‌کند» (سایت سازمان برنامه و بودجه)، امکان اعمال نفوذ بالایی بر سایر نهادها دارد چراکه تخصیص منابع بودجه بر عهده اوست و در برخی از موارد دیده شده که این سازمان به جهت اعمال قدرت و در راستای منویات قوه مجریه بر نهادهای دیگر از جمله سپاه و صداوسیما فشار آورده و از تخصیص منابع مصوب بودجه به این نهادها خودداری کرده است.

(۵) از شاخص‌های میزان اختیار و قدرت تأثیرگذاری نهادها، سنجش آن‌ها بر مبنای سهم آن از بودجه کشور و اقتصاد ملی است. مطابق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس بیش از ۷۰ درصد بودجه کشور در سال ۹۹ مربوط به شرکت‌های دولتی است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۸: ۳). همچنین به گفته غلام‌رضا مصباحی‌مقدم، عضو شورای فقهی بانک مرکزی، ۹۴ درصد بودجه کشور در اختیار دولت است و مابقی آن در اختیار سایر بخش‌های کشور از جمله رهبری، قوه مقننه، قوه قضائیه و... است. (خبرگزاری فارس) در یک جمع‌بندی کلی باید گفت سهم نهادهای زیرمجموعه رهبری از اقتصاد ملی کمتر از ۸ درصد است (روزنامه کیهان، ۱۳۹۸/۱۱/۰۲).

## نتیجه‌گیری

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر ملزم به رعایت قانون، مبانی دینی و شرعی و مصوبات دولتی است. همچنین رهبر مجاز نیست در مسئولیت سایر دستگاه‌ها دخالت کند. رهبر به جز مدیریت نیروهای مسلح هیچ مدیریت اجرایی کلانی را بر عهده ندارد. کارویژه اصلی رهبری «سیاستگذاری کلان» است که منطبق بر آن به «هدایت» مسیر نظام می‌پردازد. همچنین مکمل نقش هدایت‌گری، «نظارت» بر حسن اجرای همان سیاست‌های کلان است. در این میان ضعف «ضمانت اجرا» در «نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» سبب اختلال بنیادین در حکمرانی رهبری در این حوزه گردیده است. توضیح آنکه چون سیاست‌های کلی از جنس قانون نیست، دادگاه نمی‌تواند با استناد به آن حکم صادر کند. دیوان عدالت اداری نیز نمی‌تواند به ادعای مغایرت مصوبات دولتی با سیاست‌های کلی رسیدگی کند. بنابراین اصلی‌ترین اختیار رهبری در حکمرانی به دلیل نبود ضمانت اجرا مهجور مانده است چراکه ابزار اعمال حکمرانی دچار اختلال است. در کنار آن آیت‌الله خامنه‌ای وظیفه «حمایت» از قوا و ارگان‌های مختلف نظام را بر عهده رهبر می‌داند. این مورد بیشتر از سنخ «وظیفه» است تا «اختیار»؛ به این معنا که رهبر وظیفه دارد از کلیت قوای سه‌گانه، ارگان‌ها، نهادها و به‌خصوص از دولت حمایت کند. در نهایت نیز باید گفت نظارت بر رهبری» به صورت عام به همه مردم مرتبط می‌شود و به شکل خاص به «مجلس خبرگان رهبری» مربوط است. با وجود این رسانه‌های اپوزیسیون سعی دارند وظایف و اختیارات رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران را ذیل عنوان «دیکتاتوری» تفسیر کنند. بخشی از شبکه حامیان انقلاب اسلامی نیز چون ولایت فقیه را در چارچوب نقش «نایب امام معصوم» فهم می‌کنند، سعی دارند اختیارات ولی فقیه را تا حد امکان موسع کنند و رهبر را حاکم بر جان، مال و ناموس شهروندان معرفی کنند. در این میان اما تلقی آیت‌الله خامنه‌ای از «وظایف و اختیارات رهبر در نظام جمهوری اسلامی» متفاوت با برداشت‌های فوق است؛ چه آن که اساساً تلقی دیکتاتورمآبانه از اختیارات معصوم<sup>(ع)</sup> در تضاد با حقایق دینی است و معصومین<sup>(ع)</sup> اتفاقاً به واسطه آنکه از مقام عصمت برخوردارند، بسیاری از انواع محدودیت‌ها را پذیرفته و صرفاً مطیع قانون و اراده الهی هستند؛ که همین مسئله ایشان را دقیقاً در نقطه مقابل دیکتاتوری قرار می‌دهد. در واقع معصومین<sup>(ع)</sup> نه تنها اختیار بی‌حد و حصر ندارند، بلکه بهترین «عبد» در درگاه «معبود»، مجری دستورهای الهی و پایبند به حدود دینی هستند. در همین نگاه ولی فقیه نیز اگر به عنوان نایب معصوم در عصر غیبت مطرح شود، اجازه ندارد برخلاف دستورات الهی عمل کند. مطابق

چنین تعریفی است که گزاره «اگر ولایت فقیه نباشد، دیکتاتوری می‌شود.» (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ۱۱: ۲۲) معنا پیدا می‌کند.

تفسیر اقتدارگرایانه از رهبری زمینه را برای الصاق برچسب دیکتاتوری به ولایت فقیه فراهم کرده و از سوی دیگر سمت‌وسوی انگشت اشاره برای مطالبه‌گری در باب وضعیت موجود را به سمت رهبری هدایت می‌کند؛ این در حالی است که چنانچه نشان داده شد؛ آیت‌الله خامنه‌ای چنین نگاهی را نسبت به وظایف و اختیارات خود ندارد و مطابق دیدگاه ایشان، رهبر نه تنها از اختیارات بی‌حد و حصر برخوردار نیست بلکه باید به قانون اساسی، و بلکه قوانین عادی مصوب مجلس و حتی فراتر از آن مصوبات دولت نیز (که رهبر نیز شامل آن می‌شود) پایبند باشد. علاوه بر آن، رهبر باید به مسائل دینی و شرعی نیز پایبند باشد چه آن که این مسئله با مشروعیت رهبر نیز گره خورده است؛ بنابراین رهبر، فوق قانون اساسی نیست بلکه باید بر طبق با قانون اساسی حرکت کند. این مسئله نیز نافی آن نیست که مطابق همان قانون اساسی در شرایط اضطراری رهبر دارای اختیارات ویژه (حکم حکومتی) باشد و بر اساس آن بتواند برخی از قوانین را به صورت موقت تعطیل کند؛ کما این که در دیگر کشورها نیز این اختیار برای رئیس کشور دیده شده است. اختیار «حکم حکومتی» مسئله‌ای چالش‌برانگیز در تحلیل اختیارات رهبری شده است اما باید توجه داشت؛ رهبر با توجه به آن که شخصیت رهبری باید شمولیت عام داشته و فراجناحی و ملی باشد و همه طرف‌های درون نظام را پوشش دهد؛ در صدور احکام حکومتی خودبه‌خود تا حد زیادی محدود می‌شود. از سوی دیگر نیز سیره رهبران انقلاب در مواجهه با دولت‌های مختلف همکاری و تقویت آن‌ها بوده و سعی شده در حیطه خطوط قرمز نظام حداکثر همکاری با ایشان شود و استفاده از حکم حکومتی عمدتاً در راستای بازکردن مسیر و اعمال حاکمیت دولت - که بار اصلی اداره کشور بر عهده اوست - استفاده می‌گردد. در نهایت باید گفت اختیارات رهبری در قانون اساسی معین و مشخص است و در یک جمع‌بندی کلی می‌توان وظایف و اختیارات رهبر را در سه حیطه «هدایت»، «نظارت»، و «حمایت» تقسیم‌بندی کرد؛ همچنین باید توجه داشت که رهبر به جز در نیروهای مسلح، «مسئولیت اجرایی» ندارد. در نهایت باید گفت که وظیفه اساسی رهبر شأن هدایتی اوست که بخش عمده آن در قالب سیاست‌گذاری کلی نظام تجلی پیدا می‌کند.

## منابع

- اسلامی، رضا (۱۳۸۲)، بررسی تطبیقی ماهیت حکم ظاهری با تأکید بر آرای شهید صدر، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- اختری نژاد، ایمان (۱۳۹۸)، بررسی تحلیل فقهی و حقوقی اختیارات رهبری (ولی فقیه) در قانون اساسی بر مبنای نظریه امام خمینی<sup>(ع)</sup>، شیراز: مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره پنجم، شماره ۲، ص ۵۹-۶۹.
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار مردم آذربایجان شرقی - ۱۳۹۴/۱۱/۲۸
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از دانشجویان - ۱۳۹۵/۰۴/۱۲
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری - ۱۳۹۲/۰۶/۱۴
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار دانشجویان کرمانشاه - ۱۳۹۰/۰۷/۲۴
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار مردم شهرستان جیرفت - ۱۳۸۴/۰۲/۱۷
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار استانداران سراسر کشور - ۱۳۸۲/۱۰/۲۲
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از دانشجویان قزوین - ۱۳۸۲/۰۹/۲۶
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی - ۱۳۸۲/۰۲/۲۲
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه - ۱۳۸۱/۰۵/۰۵
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار مردم اصفهان - ۱۳۸۰/۰۸/۰۸
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی - ۱۳۸۰/۰۱/۰۱
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر - ۱۳۷۹/۱۲/۲۲
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران - ۱۳۷۹/۰۴/۱۹
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی - ۱۳۷۷/۱۲/۰۴
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تربیت مدرس - ۱۳۷۷/۰۶/۱۲
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از بسیجیان - ۱۳۷۶/۰۹/۰۵
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در آخرین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ششم - ۱۳۷۶/۰۵/۰۹
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از آزادگان و اقشار مختلف مردم - ۱۳۶۹/۰۷/۱۱
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی - ۱۳۹۸/۰۸/۲۸
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت - ۱۳۸۲/۰۶/۰۵
- جمال‌زاده، ناصر و دیگران (۱۳۹۷)، مؤلفه‌های مانایی انقلاب اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۶، شماره ۱، بهار و تابستان، ص ۱۰۵-۱۲۸.
- حسینی، سید ابراهیم (۱۳۸۷)، محدوده اختیارات رهبری و حاکم اسلامی در عصر غیبت، قم: مکتبه و اندیشه، شماره ۳۲، ص ۱۳۷-۱۱۷.
- رجایی، حسین (۱۳۸۰)، قلمرو اختیارات ولی فقیه از دیدگاه فقها و قانون اساسی، رواق اندیشه، شماره ۴، ص ۵۷-۷۲.
- رجایی، حسین و دیگران (۱۳۹۸)، قلمرو اختیارات ولی فقیه از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد امنیت ملی، تهران: امنیت ملی، سال نهم، شماره ۳۳، ص ۵۵-۷۸.
- ردادی، محسن و دیگران (۱۳۹۴)، تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره سوم، پاییز، ص ۵۱-۷۲.

## «وظایف و اختیارات رهبری» از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای... ۳۶

روزنامه کیهان (۱۳۹۸)، شماره ۲۲۳۸۸، ۲ بهمن ۱۳۹۸.  
ره‌پیک، سیامک (۱۳۷۷)، مبانی اختیارات رهبری در قانون اساسی جمهوری اسلامی و مقایسه آن با اختیارات رئیس‌جمهوری در برخی از نظام‌های ریاستی، دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۱۲، ص ۵۵-۷۶.  
سایت سازمان برنامه و بودجه

<https://www.mporg.ir/about>

خبرگزاری فارس، کدخبر: ۱۳۹۷۱۱۰۹۰۰۰۲۶۰

<http://farsnews.ir/news/13971109000260>

شیخ‌الاسلامی، سید محسن (۱۳۸۵)، اختیارات رهبری در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران با نگرش تطبیقی به اختیارات رهبران در نظام‌های سیاسی لیبرال، فصلنامه ۱۵ خرداد، شماره ۹، ص ۲۱-۷۵.  
محمدپور، احمد (۱۳۹۰)، روش تحقیق کیفی؛ ضد روش (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.  
مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۸)، بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور ۶۴، شرکت‌های دولتی (ویرایش اول)، گزارش شماره: ۱۶۸۹۵، ۱۳۹۸/۱۱/۱۶.

مردی، سیدمحمدرضا و سید علی مردی (۱۳۹۵)، چپستی حکم حکومتی از منظر فقه سیاسی با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبائی، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۱۷، ص ۱۳۷-۱۵۵.

مردی، سید علی (۱۴۰۰)، نقش رهبری در حکمرانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۹۴، ص ۱۷۶-۲۰۹.

موسی‌زاده، ابراهیم (۱۳۸۷)، تأملی در مفهوم، ماهیت و جایگاه حقوقی سیاست‌های کلی نظام، حقوق اسلامی، شماره ۱۷، ص ۱۷۸-۱۵۱.

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).  
هی‌وود، اندرو (۱۳۷۹)، درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، یزدی، محمد (۱۳۶۴)، وجوهات و مالیات، مجله نور علم، شماره ۹، ص ۷۶-۹۰.

Attride-Stirling, Jennifer (2001), Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research, *Qualitative Research*, Volume 1, No. 3, P 385-405.

Heywood, Andrew (2012), *Political Ideologies: An Introduction (Fifth edition)*, London: MACMILLAN foundation.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی